

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

نویسنده: جان پرکینز
برگردانندگان: مهرداد (خلیل) شهابی - میر محمود نبوی
بازخوانی، تصحیح و ارسال: حمید محوی
۲۷ اگست ۲۰۱۳

اعترافات جنایتکار اقتصادی

(افشاع‌گری هائی در باب ترفندهای ایالات متحده آمریکا در اقتصاد جهانی)

۲۶



John Perkins

سخن آخر

اکنون به پایان این کتاب رسیده‌ایم - و در عین حال، به آغازی دیگر. احتمالاً از خودتان می‌پرسید که تکلیف چیست و برای متوقف کردن «ابشرکت‌سالاری» و پایان دادن به این پیش روی جنون‌بار و «خود - نابود - کن» به سوی «امپراتوری جهانی»، چه باید کرد. حتماً آماده‌اید که کتاب را به کناری بگذارید و بر جهان یورش ببرید. اما این کار مستلزم داشتن ایده‌هایی برای عمل است. برای این منظور، شاید بتوانم ایده‌های چندی ارائه کنم.

می‌توان گفت که فصلی که تازه خواندنش را تمام کرده‌اید و درباره شرکت «بکتل» و «هالیبرتون» در عراق بود، خبرهایی کهنه است و زمانی که آن را می‌خوانید ممکن است بی‌فایده به نظر آید. اما اهمیت آن مقالات روزنامه‌ها از «بهر روز بودن» محتویاتشان فراتر می‌رود. امیدوارم فصل قبلی نحوه نگرش‌تان به اخبار را عوض کرده باشد و کمکتان کند تا مطالب نانوشتۀ پنهان در بین خطوط هر مقاله پیش رو را بتوانید حدس زنید، و معانی عمیق‌تر نهفته در پس هر گزارش رادیویی و تلویزیونی را مورد سؤال قرار دهید.

چیزها آن طوری که در ظاهر به نظر می‌آیند نیستند. بنگاه خبری NBC در مالکیت شرکت «جنرال الکتریک»^۱ است و بنگاه خبری ABC متعلق به «دیسنی».

بنگاه خبری CBS در مالکیت شرکت Viacom است و بنگاه خبری CNN بخشی است از گروه شرکت‌های AOL Time Warner. بیشتر روزنامه‌ها، مجلات و انتشاراتی‌های مان در تملک و آلت دست ابرشرکت‌های غول‌آسای بین‌المللی‌اند. رسانه‌های ما بخشی از «ابرشرکت‌سالاری»^۲ اند. مأموران و مدیرانی که تقریباً تمامی رسانه‌های ما را در کنترل دارند به مکان و منزلت خویش خوب آگاهند؛ به آنان در تمام طول زندگی آموزش داده شده است که یکی از مهم‌ترین وظایف‌شان استمرار، تقویت، و گسترش نظامی است که وارث آن بوده‌اند. آنان در انجام این کار بسیار کارآمد هستند و در صورت رو به رو شدن با مخالفت، ممکن است با بی‌رحمی عکس‌العمل نشان دهند. بنابراین، این وظیفه بر دوش شما قرار می‌گیرد که حقیقت را از پس ظاهر پرزرق و برق تشخیص دهید و عیان کنید. آن را برای خانواده و دوستانتان بازگو کنید؛ پیام را به همه برسانید.

می‌توانم به شما فهرستی از کارهایی عملی ارائه دهم. مثلاً، مصرف بنزین خود را کاهش دهید. در ۱۹۹۰، قبل از اولین تهاجم به عراق، ما در ایالات متحده آمریکا، روزی هشت میلیون بشکه نفت وارد می‌کردیم. در سال ۲۰۰۳ و تهاجم دوم، این مقدار بیش از پنجاه درصد افزایش یافته و به بالای دوازده میلیون بشکه در روز رسیده بود.^(۱) دفعه بعد که وسوسه بیرون رفتن و خرید کردن در سرت افتاد، به جای آن، به مطالعه بپرداز، ورزش کن، یا خود را با مدیتیشن مشغول کن. مسکنت را، تعداد پوشاکت را، اتومبیلت را، دفتر کارت را و بیشتر چیزهای دیگر زندگی‌ات را کوچک‌تر کن. علیه توافق‌نامه‌های تجارت «آزاد» و نیز علیه شرکت‌هایی که مردم درمانده را در کارگاه‌های عرق‌ریزی استثمار یا محیط زیست را تخریب می‌کنند، اعتراض کن.

به نظر من، حتی در چهارچوب نظام کنونی هم جای امیدواری زیادی وجود دارد و بانک‌ها، ابرشرکت‌ها، دولت‌ها یا کسانی که آنها را اداره می‌کنند ذاتاً بد نیستند. مطمئناً، شکل‌گیری «ابرشرکت‌سالاری» را نمی‌توان امری مقدر دانست و یا نهادهای مزبور را موظف به اجرای فرمان تقدیر فرض کرد. می‌توان به تفصیل استدلال کرد که مسائلی که با آن روبه‌رو هستیم ناشی از «نهادهائی بدخواه» نیست، بلکه از «مفاهیمی مغالطه‌آمیز درباره توسعه اقتصادی» ریشه می‌گیرند. ایراد نه در خود مؤسسات، بلکه در درک ما از وظیفه و نحوه عمل آنها و کنش متقابل‌شان با یک دیگر و نقشی است که مدیران‌شان در آن فرایند ایفاء می‌کنند.

در واقع، ارتباطات مؤثر جهانی و شبکه‌های توزیع را می‌توان برای به وجود آوردن تغییراتی مثبت و نوع‌دوستانه در خدمت بشریت به کار گرفت. تصور کنید که علایم تجاری «نایکه»، «مک دونالد» و «کوکاکولا» سمبل شرکت‌هایی باشند که اهداف اولیه‌شان تأمین پوشاک و تغذیه تنگ‌دستان جهان است^۳، آن هم به نوعی که برای محیط زیست مفید باشد؛ این تخیلی‌تر از فرستادن انسان به کره ماه، متلاشی کردن اتحاد شوروی، یا ایجاد زیرساختی که امکان می‌دهد شرکت‌های مزبور به هر نقطه این سیاره برسند، نیست. ما به انقلابی در رویکردمان به تحصیلات نیازمندیم تا به خود و فرزندانمان قدرت تفکر، پرسش، و جرأت عمل کردن بخشیم. ما می‌توانیم با آنچه انجام می‌دهیم، الگویی برای دیگران باشیم. هم آموزگار باشید و هم خود بیاموزید؛ با الگویی که ارائه می‌دهید، الهام‌بخش

۱. General Electric = GE: مارک مشهور بسیاری از لوازم خانگی و مجری بسیاری از بزرگ‌ترین پروژه‌های نیرو و مخابرات - م.
۲. نگاه کنید به یادداشت شماره ۱۳ مترجمان: «رسانه‌های جمعی در کنترل و تملک انحصاری ابرشرکتی: ابزار برای شکل دادن به افکار عمومی و دستیابی به اجماع»، ص ۳۹۸.
۳. اینها تصویری خوشبینانه و ساده‌انگارانه است که با «بیشینه کردن سود»، یعنی اصل بنیادین نظام سرمایه‌داری، همخوانی ندارد - م.

انسان‌های پیرامونتان باشید.

می‌توانم شما را به کارهای خاصی ترغیب کنم که بر نهادهای مؤثر در زندگی‌تان تأثیر می‌گذارد: در هر گردهمایی حرف‌تان را بزنید؛ برای اعلام نظرات‌تان نامه بنویسید و ایمیل بفرستید؛ با تلفن زدن به برنامه‌های رادیو و تلویزیون، پرسش‌ها و نگرانی‌های خود را مطرح کنید؛ در انتخابات هیأت‌های عامل مدارس فرزندان، شوراها و سایر امور محلی به افراد روشن‌بین رأی دهید؛ وقتی لازم است خریدی انجام شود، این کارها را آگاهانه انجام دهید و شخصاً در آن دخالت کنید.

می‌توانم آنچه را «شوارها» در ۱۹۹۰ به من گفتند به شما یادآور شوم، که «دنیا همانی است که در رؤیاهایتان می‌سازید». ما می‌توانیم آن کابوس قدیمی صنایع آلوده‌کننده محیط زیست، راه‌بندان‌ها، و شهرهای پرازدحام را با رؤیا و آرمان جدیدی عوض کنیم که اساس آن اصولی است در جهت ارج نهادن به این کره خاکی و نیز احساس مسئولیت اجتماعی، یعنی: حفظ و نگهداشت این کره (و آنچه در آنست)، و برابری همگان. ما مطمئناً این توانایی را داریم که خود را متحول کنیم و سرمشق‌ها و الگوها را تغییر دهیم. می‌توان فرصت‌های شگفت‌انگیز را ذکر کرد که برای خلق جهانی بهتر در عصر حاضر در اختیار ماست: غذا و آب کافی برای همه؛ دارو برای درمان بیماری‌ها و پیشگیری از بیماری‌های مسری که امروز بیهوده میلیون‌ها نفر را آزار می‌دهد؛ شبکه‌های حمل و نقلی که قادر است مایحتاج اساسی زندگی را حتی به دور افتاده‌ترین گوشه‌های این سیاره برساند؛ توانایی افزایش سطح باسوادی و فراهم آوردن خدمات اینترنتی، به‌طوری که امکان تماس هر فرد روی این سیاره با هر فرد دیگری را میسر سازد؛ امکاناتی برای حل و فصل مناقشات به‌طوری که جنگ‌ها را تبدیل به پدیده‌ای متعلق به اعصار گذشته کند؛ فناوری‌هایی برای اکتشاف گستره‌های بی‌انتهای فضاء از یک سو و کوچک‌ترین انرژی مادون اتم از سوی دیگر، جهت استفاده برای ایجاد مسکن سازگار با محیط زیست و کارآتر برای همگان؛ منابع کافی برای نیل به همه موارد فوق؛ و بسیار بیش از آن.

در زیر اقداماتی را توصیه می‌کنم که با عمل فوری به آنها، می‌توانید دیگران را در درک بحران‌ها و شناخت فرصت‌ها یاری کنید:

در کتاب‌فروشی یا کتابخانه محله‌تان، یا هر دو، درباره کتاب «اعترافات یک جنایتکار اقتصادی» پیشنهاد تشکیل گروه‌های مطالعاتی دهید (توصیه‌هایی برای چگونگی انجام این کار در تارنمای من^۴ موجود است). مقاله‌ای برای ارائه در یک مدرسه ابتدائی محل‌تان درباره موضوع مورد علاقه خود (تقریباً هر موضوعی) تهیه کنید و آن را جهت کمک به دانش‌آموزان برای آگاه شدن نسبت به ماهیت واقعی جامعه‌ای که وارث آن خواهند بود به کار گیرید. برای تمام آدرس‌هایی که دارید، ایمیل بفرستید و احساساتی را که این کتاب و سایر کتاب‌ها در وجودتان برانگیخته است بیان کنید.

اما تصور می‌کنم همه اینها قبلاً به فکر خودتان هم رسیده است. کافی است که یکی دو مورد از این کارها را که بیشتر به مذاقتان خوش می‌آید انتخاب کنید و به انجام رسانید و آگاه باشید که همه اینها فقط جزئی از تعهدات بسیار بزرگتری است که من و شما باید بدان عمل کنیم. ما باید به‌طور مطلق و با صراحت کامل، خود را نسبت به این امر متعهد سازیم که خود و تمام انسان‌های دور و برمان را از خواب غفلت بیدار کنیم. ما باید به حکمت نهفته در پیشگویی‌ها گوش سپاریم، قلب‌ها و مغزهای خود را به روی فرصت‌ها بگشائیم، آگاه شویم، و سپس اقدام کنیم.

اما این کتاب قصد پیچیدن نسخه‌ای برای حل مسایل مطرح شده ندارد. این کتاب صرفاً یک اعتراف است، اعترافی

⁴ WWW.johnperkins.com

همراه با خلوص و سادگی. این کتاب اعتراف مردی است که گذاشت از او يك مهره و يك جنایتکار اقتصادی بسازند؛ مردی که نظامی فاسد را باور داشت، زیرا که مزایای بسیاری را در اختیارش می‌نهاد و باور به آن نظام را به‌سادگی می‌شد توجیه کرد؛ مردی که همه‌چیز را خوب می‌دانست ولی برای توجیه حرص و آز خود و استثمار مردم درمانده و تاراج این سیاره، همیشه می‌توانست بهانه‌هایی بتراشد؛ مردی که از این موضوع استفاده کامل می‌برد که زاده یکی از ثروتمندترین جوامع طول تاریخ است و در عین حال، به‌خاطر این که پدر و مادرش در رأس هرم نبودند به حال خویش تأسف می‌خورد؛ مردی که به استادان خود گوش می‌سپرد، کتاب‌های درسی توسعه اقتصادی را مطالعه می‌کرد، و سپس مردان و زنان دیگری را سرمشق خود قرار می‌داد که به هر عملی که باعث ارتقاء «امپراتوری جهانی» است وجهه قانونی می‌بخشند، حتی اگر به کشتارهای جمعی و نابودی محیط‌زیست منجر گردد؛ مردی که دیگران را آموزش داد تا راه وی را در پیش گیرند؛ این کتاب شرح اعترافات من است.

این نکته که شما کتاب را تا اینجا خوانده‌اید، نشان‌دهنده این است که، در سطحی شخصی، توانسته‌اید با اعترافات من ارتباط برقرار کنید و من و شما اشتراکات زیادی داریم. شاید ما مسیرهای متفاوتی را پیموده باشیم، ولی پشت خودروهای مشابهی نشسته‌ایم، از سوخت‌های یکسانی استفاده کرده‌ایم، و برای غذا خوردن در رستوران‌هایی توقف کرده‌ایم که به شرکت‌های یکسانی تعلق دارند.^۵

برای من، اعتراف به‌منزله بخش مهمی از بیداری شخصی‌ام بود. همانند همه اعترافات، این اعتراف نیز گام اولیه‌ای در جهت رهائی است.

و حالا نوبت شماست. شما نیز باید به آن چه کرده‌اید اعتراف کنید. فاش بگوئید که هستید، چرا در این برهه از تاریخ در این‌جائید، هدف از آنچه انجام داده‌اید – چه کارهایی که به آنها افتخار می‌کنید، و چه غیر آن – چیست و مقصد بعدی‌تان کجاست. صداقت و عدم پنهان‌کاری در این خصوص باعث خواهد شد که بلافاصله باری از دوش‌تان برداشته شود و احساس آرامش کنید؛ احساسی که دست‌کمی از شادمانی و طیب خاطر ندارد.

باور کنید نگارش این کتاب برای من تجربه‌ای عمیقاً عاطفی، دردناک و توأم با شرمساری بوده است. این کار چنان برایم هراس‌انگیز بود که هرگز با پدیده‌ای چنین دهشت‌بار رو به رو نشده بودم. اما در عین حال، این اعترافات چنان احساس سبک‌بالیی به من بخشیده است که هرگز تا این زمان به آن دست نیافته بودم – احساسی که فقط می‌توان آن را نوعی خلسه و جذب نامید.

از خود بپرسید: به چه چیزی باید اعتراف کنم؟ چگونه خود و دیگران را فریفته‌ام؟ در چه مواردی تعلل ورزیده‌ام؟ چرا گذاشته‌ام به درون نظامی کشیده شوم که می‌دانستم ناعادلانه است؟ چه کاری باید انجام دهم تا کودکان ما، و همه کودکان در هر کجا، بتوانند، با اطمینان، رؤیای نیاکان بنیانگذار^۶ آمریکا، یعنی «حق حیات، آزادی، و جست‌وجوی نیکروزی» را تحقق بخشند؟ چه راهی را باید در پیش گیرم تا مرگ و میر بیهوده ناشی از گرسنگی پایان یابد و یازده سپتمبر دیگری اتفاق نیفتد؟ چگونه می‌توانم به فرزندانم کمک کنم تا بفهمند که به حال مردمی که زندگی‌شان نامتوازن و همراه با شکم‌بارگی است باید افسوس خورد و هرگز و به‌هیچ‌وجه نباید آنان را سرمشق قرار داد (حتی اگر آنان، از طریق رسانه‌هایی که در اختیار دارند، خود را به عنوان نمادهای فرهنگی مطرح سازند و سعی کنند ما را مجاب کنند که داشتن تجملات مایه خوشبختی است).

چه تغییری در نگرش‌ها و ادراکاتم بدهم؟ از چه گردهمائی‌هایی باید برای آموزش دادن به دیگران استفاده کنم و

^۵ . روی سخن نویسنده با مردم ایالات متحده آمریکا است - م.
^۶ Founding Fathers: بنیانگذاران ایالات متحده آمریکا.

خود نیز چیزهای بیشتری را فراگیرم؟

اینها پرسش‌های اساسی زمانه ماست. لازم است که هر يك از ما به‌شيوه خود به آنها پاسخ گوئيم و جواب‌هايمان را به‌روشنی و بدون ابهام بيان كنيم. «تام پين، توماس جفرسون» و ساير ميهن‌پرستان، همگی به ما چشم دوخته‌اند. كلام آنان تا به امروز نیز الهام‌بخش ماست. ارواح مردان و زنانی که کشتزارها و قایق‌های ماهی‌گیری‌شان را بر جای نهادند و برای رویارویی با امپراتوری قدرتمند بریتانیا روانه شدند، و آنان که در جنگ داخلی^۷ ایالات متحده برای آزادی بردگان جنگیدند، و نیز آنانی که جان خود را فدا کردند تا دنیا را از فاشیزم در امان دارند، با ما سخن می‌گویند - همان‌طور که ارواح آنانی که در پشت جبهه‌ها با رساندن غذا و پوشاک یاری‌شان کردند آنان را مورد حمایت معنوی قرار دادند و نیز ارواح همه مردان و زنانی که از دستاوردهای جبهه‌ها دفاع کردند: چه آموزگاران و شعراء و هنرمندان، چه فعالان اقتصادی و پزشکان و پرستاران، و چه کارگران یدی...، من و شما. اکنون زمان عمل ماست، زمان آن است که همه ما به سوی جبهه‌های مبارزه رهسپار شویم، سؤال‌های مهم را مطرح کنیم، روح خود را برای یافتن پاسخ‌ها بکاویم، و آنگاه دست به کار شویم. اتفاقات زندگی‌تان و اقدام شما در واکنش به آنهاست که شما را به این نقطه رسانده است...

ادامه دارد

⁷. Civil War